«به سپیدی یک رویا»؛ روایتی ماندگار از سفر حضرت معصومه(س)

11 مهر 1404

کتاب «به سپیدی یک رویا» نام اثری است که خواننده را به سفری در دل تاریخ می‌برد؛ سفری که روایت‌کننده صبر، عشق و ایمان حضرت معصومه(س) است و همچنان در ادبیات تاریخی-مذهبی ایران جایگاهی ویژه دارد.

حضرت فاطمه معصومه (س)، بانویی است که مسیر زندگی‌اش با عشق به خاندان عصمت و ولایت و وفاداری به برادرش، امام رضا(ع)، گره خورده است. داستان زندگی او پر از صبر، شوق و غربت است؛ با وجود اهمیت روایت چنین شخصیتی، آثار منتشر شده در این باره انگشت‌شمارند. چندین سال پیش، فاطمه سلیمانی ازندریانی نخستین رمان درباره سفر حضرت را نوشت: «به سپیدی یک رویا». هرچند کتاب بیش از یک دهه از انتشارش می‌گذرد، هنوز یکی از مهم‌ترین آثار در این حوزه به شمار می‌رود و توانسته با ترکیب روایت تاریخی و تخیل، نگاه تازه‌ای به زندگی و سفر حضرت معصومه(س) ارائه کند.

این رمان نخستین اثری است که به شکلی داستانی و روایی به زندگی و سفر حضرت معصومه(س) پرداخته است. نویسنده روایت خود را از زمانی آغاز می‌کند که امام رضا(ع) به اجبار از مدینه هجرت کرده و راهی مرو شده است. کمی بعد، نامه‌ای از امام می‌رسد که خواهر را به خراسان فرا می‌خواند. حضرت معصومه به همراه خاندان و همراهانش راه سفر را در پیش می‌گیرد، اما تقدیر چنین است که در میانه مسیر، در شهر ساوه بیمار شود و نتواند راه را ادامه دهد. مسیر کاروان تغییر می‌کند و بانوی علوی به قم می‌رسد؛ شهری که برای هفده روز میزبانی‌اش را بر عهده می‌گیرد و سپس پیکر پاکش را در خود جای می‌دهد.

سلیمانی برای روایت این قصه، زاویه دیدی بدیع برگزیده است؛ راوی، یکی از کنیزان حضرت است که در متن حوادث حضور دارد و ماجرا را از درون خانه و از نزدیک‌ترین فاصله به شخصیت اصلی دنبال می‌کند. همین انتخاب، به رمان لحنی زنانه، گرم و صمیمی می‌بخشد؛ روایتی که میان واقعیت تاریخی و تخیل ادبی پلی می‌زند و مخاطب را هم‌قدم با بانو، در خانه و در سفر، همراه می‌سازد.

ویژگی مهم دیگر کتاب، فضاسازی آن است. نویسنده کوشیده تا از درون خانه امام موسی‌بن‌جعفر(ع) و فرزندانش تا کوچه‌های مدینه، تا کاروان‌های راهی خراسان، و نهایتاً شهر قم را با جزئیاتی زنده و ملموس به تصویر بکشد. شخصیت‌های متعددی در این فضا حاضر می‌شوند؛ برخی سپید و قدسی، برخی خاکستری و زمینی، اما همه در تاروپود داستان به گونه‌ای تنیده‌اند که فضای آن دوران تاریخی را واقعی و باورپذیر جلوه می‌دهد.

به سپیدی یک رویا فقط یک بازگویی تاریخی نیست؛ لحظه‌به‌لحظه‌اش سرشار از حس و حال انسانی است. عشق خواهر به برادر، شوق دیدار امام زمان خویش، رنج غربت، صبر بر ابتلا و امید به وصال در تار و پود روایت تنیده شده است. در یکی از برش‌های کتاب می‌خوانیم:
«فاطمه فقط دلتنگ برادر نبود. فاطمه از امام زمانش دور افتاده بود. رنج سفر را به جان خریده بود، به امید دیدار امام و سرورش.»
این جملات ساده اما پرحرارت، مخاطب را به قلب ماجرا می‌برد؛ جایی که داستان از سطح یک سفر تاریخی فراتر می‌رود و به نمادی از اشتیاق و وفاداری بدل می‌شود.

در جای دیگری، صدای ندیمه حضرت، حکمت ماندگاری را روایت می‌کند:
«مؤمن، مؤمن واقعی نیست، مگر آنکه سه خصلت در او باشد: سنتی از پروردگارش، سنتی از پیامبرش و سنتی از امامش. سنت پروردگارش، پوشاندن راز است؛ سنت پیامبرش، مدارا و نرم‌رفتاری با مردم؛ و سنت امامش، صبر در زمان تنگدستی و پریشان‌حالی.»
چنین لحظاتی، کتاب را از یک رمان تاریخی صرف فراتر می‌برد و آن را به گنجینه‌ای از اندیشه و آموزه‌های اخلاقی بدل می‌کند.

در سراسر روایت، لقب «اخت‌الرضا» که حضرت معصومه بدان مباهات می‌کرد، همچون نخی زرین داستان را پیوند می‌دهد. او نه تنها خواهر امام رضا (ع) بود، بلکه خود شخصیتی مستقل، عالم و تأثیرگذار داشت. روایت‌های تاریخی نقل می‌کنند که حتی در خردسالی، در برابر مسیحیان پرسشگر، با اعتمادبه‌نفس خود را چنین معرفی کرده بود: «من معصومه، خواهر رضا هستم.» این هویت، چنان با وجودش عجین بود که بعدها بسیاری برای خشنودی‌اش، او را با همین لقب خطاب می‌کردند. نویسنده به زیبایی این بُعد شخصیتی را در تار و پود داستان نشان داده است.

یکی از جلوه‌های ارزشمند کتاب، ترکیب تاریخ و تخیل است؛ جایی که وقایع مسلم تاریخی با ظرایف داستانی در هم می‌آمیزند. در روایت سفر، ترس‌ها و امیدها، خطر کمین‌کردن سربازان عباسی، اندوه وداع با پیامبر در مدینه، و دلهره از نرسیدن به مقصد، همگی در قالب صحنه‌هایی روایی شکل گرفته‌اند که خواننده را با خود می‌برند. آنجا که کاروان از ساوه راهی قم می‌شود، روایت به اوج می‌رسد؛ گویی نویسنده با قلمش از دل تاریخ، لحظه‌ای ناب را بیرون کشیده و در جان مخاطب نشانده است.

انتشار «به سپیدی یک رویا» در سال ۱۳۹۲ توسط انتشارات نیستان، سرآغاز توجه تازه‌ای به روایت داستانی زندگی حضرت معصومه (س) بود. این کتاب در سال ۱۳۹۳ نامزد جایزه پروین اعتصامی شد

و پیش‌تر نیز در جشنواره کتابخانه رضوی مورد تقدیر قرار گرفت. چنین جایگاه‌هایی نشان می‌دهد که کتاب توانسته است هم در میان مخاطبان عام و هم در فضای تخصصی ادبیات دینی جای خود را باز کند.

در یکی دیگر از بریده‌های کتاب آمده است:
«مهیای سفر مرو شدن کار زیادی ندارد، باید هر لحظه آماده سفر طولانی‌تری باشم. برای خراسان رفتن هر چقدر سبک‌بارتر بهتر، اما برای آن سفر مهم‌تر، باید تا می‌توانی توشه ذخیره کنی.»
این جملات نه فقط درباره سفر ظاهری، بلکه درباره سفر باطنی و ابدی هر انسان سخن می‌گویند.

خواندن به سپیدی یک رویا را می‌توان به همه علاقه‌مندان ادبیات دینی و تاریخی پیشنهاد کرد؛ به آنان که می‌خواهند از خلال داستان، با گوشه‌ای از زندگی بانویی آشنا شوند که حضورش قم را حرم اهل بیت کرد.